



انترناسیونال ۳۸۷

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۲۲ بهمن ۱۳۸۹، ۱۱ فوریه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: کاظم نیکخواه



نان، آزادی، کرامت انسانی!

اصولی توده های بپا خاسته بوده است، اما شعار کرامت انسانی يك خود ویژگی انقلاب جاری در مصر است. و این برای مردم ایران که سه دهه است با رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی دست و

حمید تقوایی

این شعار و خواست محوری توده مردم در انقلاب جاری مصر و جوهر این انقلاب است. از انقلاب کبیر فرانسه تا انقلاب اکتبر رفاه و آزادی يك خواست

صفحه ۳

اعتصابات کارگری نقطه عطفی در انقلاب مصر

شهبلا دانشفر
تعیین کننده در این میان وارد صحنه شدن کارگران است، شروع دور جدیدی از اعتصابات کارگری از روز چهارشنبه ۹ فوریه و نام بردن از این روز بعنوان روز بزرگترین تجمعات
صفحه ۱۲

گر گهای اسلامی و حنای چهارده ساله

سهیلا شریفی
حتما مانند همه دخترهای نوجوان "حنا بیگوم" فقط چهارده سال داشت. دختری زیبا با چشمانی سیاه و درشت و سرشار از زندگی. او هم
صفحه ۷

زنده باد انقلاب در ایران و مصر و تونس

صفحه ۹

تناقضات و اعترافات در دفاع ریاکارانه

از انقلابات مردم!

هادی وقفی، صفحه ۶

بازتاب هفته

به وزیر خارجه رژیم اسلامی ویزا داده نشد

بهرز مهرآبادی

توجه گران ستمگری در وحشت

یاشار سهنیدی

جنايات كهريزك و معضل پرونده سعيد مرتضوي!

محمد شكوهي

ری شهری "مجتهد و مرجع تقلید" می شود!

محمد شكوهي

صفحات ۵-۴

انقلاب در مصر، انقلاب در ایران، و تقای

نیروهای اسلامی!

حال شکل گیری است و همه چیز حاکی از آنست که روند پر شتاب فروپاشی نظامهای سرکوبگر و دیکتاتورهای چندین دهساله در خاورمیانه و شمال آفریقا شروع

انقلاب در تونس و مصر شور و شوق و امید تازه ای در میان توده های مردم در کشورهای منطقه برانگیخته است. در کشورهای عربی موجی از اعتراضات توده ای در

صفحه ۵

صفحات دیگر

کنفرانس بین المللی در مورد حقوق زن، قانون شریعه

و سکولاریسم

صفحه ۱۱

کنفرانس مطبوعاتی علیه اعدامها در ایران در

استراسبورگ فرانسه

صفحه ۱۱

صدای بهنام ابراهیم زاده باش!

زهر! بهرامی به دلیل فعالیت سیاسی علیه رژیم اسلامی اعدام

شد نه قاچاق مواد مخدر!

صفحه ۱۰

سعید به نژاد از کارگران مجروح ایران خودرو جان باخت

صفحه ۳

تشدید فشار بر نمایندگان کارگران هفت تپه

کارگران کیان تابر اعتراضات خود را از سر گرفتند

صفحه ۹

اعتراضات کارگران پارس متال، آجر ساز مایه، پوشینه بافت

و نئوپان شموشک علیه پرداخت نشدن دستمزدها

صفحه ۸

بیست و دو بهمن فرا میرسد: زنده باد انقلاب

صفحه ۷

"طلوع خاورمیانه جدید"

کاظم نیکخواه

این عنوان برخی رسانه های بستر رسمی غرب در مورد تحولات مصر و خاور میانه است. خاورمیانه جدید را اینها اینگونه توصیف میکنند که این منطقه قرار است از شیوخ و مذهبیبون و حکام موروثی و روسای قبایل خلاص شود و به دامان يك سرمایه داری مدل غربی وارد گردد. گویا تمام شور و التهاب و اعتراضات و انقلابات موجود با این هدف دارد صورت میگیرد که سرمایه داری نوع غربی وارد این سرزمینها شود. این روشن است که دوره شیوخ و حکام موروثی و اسلامی بسر آمده است، اما آنچه اینها نمیدانند چگونه توضیح دهند اینست که انقلابات اخیر در کشورهای تونس و مصر شروع شده است که حکومتهايش در این منطقه غربی ترین چهره را داشتند. ابا و ردا و عمامه و آگال عربی بر تن ندارند، و حتی مورد تونس رسما حکومت خود را سکولار معرفی میکرد و لباس و نشانه های مذهبی را در اماکن و ادارات و مدارس ممنوع کرده بود. مصر هم بعد از تونس غربی ترین سرمایه داری منطقه بود. کشورهایی مثل عربستان و بحرین و کویت و امارات و امثالهم که آنها هم مدل دیگری از سرمایه داری اساسا ساخته غرب بورژوازی هستند میشود گفت به اندازه يك انقلاب از این دو کشور انقلابی عقب اند. در کشوری مثل عربستان که زنان حق رانندگی ندارند و با شمشیر جوانان را گردن میزنند و شیوخ مولتی میلیاردر بصورت موروثی و مادام العمر بر سر چاههای نفت نشسته ند و حکومت میرانند رسیدن به فضایی مثل تونس و مصر قبل از انقلاب و حتی گرفتن پز مدرن و امروزی تر، بسادگی امکان پذیر
صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

"طلوع خاورمیانه جدید"...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

نیست و اگر کسی همین حد از تغییرات را هم بخواهد لازمه اش جنگها و جدالها و حتی انقلابات توده ای مردم است. و اگر تمام مساله این است که "دنیای عرب" و خاورمیانه به آن خاورمیانه جدید مورد نظر دولتها و مدیای غربی پا بگذارد میبایست از عربستان و کویت شروع میشد و الگویش را مثلا مصر و تونس قرار میداد. اینها مسائلی جدی است که تئوریسینهای بورژوازی خاورمیانه جدید از توضیح آن ناتوانند. سوال اینست که خاورمیانه دارد به کجا میرود؟

بطور قطع يك خاور میانه جدید دارد متولد میشود. خاور میانه و شمال آفریقا دیگر به قبل از این تحولات باز نخواهد گشت. سرمایه داری نوع غربی فی الحال و قبل از این تحولات در خاورمیانه حاکم بود و همین است که طی حدود نیم قرن گذشته تاکنون شاهد بوده ایم: دیکتاتورها و شیوخ و ملوک موروثی و فعال مایشاء، کارگران بی حقوق و به بند کشیده شده و ارزان، بی حقوقی مفرط و برده وار زنان، خفقان و سرکوب تمام عیار و چپاول و یکه تازی سرمایه و سرمایه داری. خاورمیانه دهه هاست که در زیر سیطره سرمایه داری است. سرمایه داری ای که غرب در شکل دادن به آن نقش اساسی داشته است. "جهان سوم" همانگونه که همیشه تاکید کرده ایم همین است که اینجا شاهدیم. این منطقه همیشه دستخوش بحرانها و کشاکشهای و جدالها و جنگها بوده است. اینکه بعد از این انقلابات منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا دقیقا به چه توافقی برسد در کوتاه مدت بطور دقیق روشن نیست. اما خاورمیانه جدید يك ویژگی منحصر بفرد که دارد اینست که نیروی دیگری وارد کشاکش شده است و آن نیروی کارگران و مردم است که تاکنون در شکل دادن به سیمای این منطقه نقش جندانی نداشته است. نیرویی وارد صحنه شده است که در همان گام اول شعار خود را "نان، آزادی، کرامت انسانی" قرار داده است. در

نوین آمریکا و جنگ تروریسم اسلامی و ارتجاع میلیتاریستی غربی، این منطقه بیش از هر جا متأثر از این کشاکش بوده است و طرفین این جنگ و کشاکش هستند که بر تحولات خاور میانه تاثیر اساسی گذاشته اند. کارگران و مردم تنها یا نقش سیاهی لشکر داشته اند یا نیروی فشار، و به هیچ وجه در سیاست نمایندگی نشده اند. آنچه دارد پایان میگیرد همین روال است. نیروی سومی وارد صحنه شده است که سیمای سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی و اقتصادی خاورمیانه را در دراز مدت بطور جدی تغییر خواهد داد. کشاکش بر سر سیاست و قدرت سیاسی و تحولات و تغییرات اجتماعی تمام منطقه را در بر خواهد گرفت و رنگ و بوی جدی تری از مبارزه طبقاتی را بخود خواهد گرفت. بویژه اگر فاکتور ایران را نیز در این معادلات وارد کنیم که نقش غیر قابل انکاری دارد، میتوان مطمئن بود که روند تحولات خاورمیانه میتواند بسیار امید بخش باشد و در سطح جهان تاثیرات بسیار عظیمی بگذارد که برای هیچکس قابل تصور نیست. ایران طی سه دهه اخیر از طریق حکومت اسلامی نقشی بسیار ارتجاعی و فاجعه بار در تقویت ارتجاع اسلامی و تروریسم اسلامی در کل منطقه خاورمیانه ایفا کرده است. در دوره دیکتاتوری پهلوی نیز ایران ستون اتکاء مهم پروغری در منطقه بوده است. با توجه به اینکه در ایران کنونی يك جنبش و انقلاب رادیکال و مدرن و انسانی و آزادیخواهانه فی الحال میتوان گفت در جوش و در انتظار فوران مجدد است، بطور قطع ایران نیز با انقلاب عظیم و انسانی خود وارد این معادله در منطقه خواهد شد و تاثیرات شگرفی به نفع نیروی مردم خواهد گذاشت. همین اکنون نیز میتوان پیژوگ انقلاب ۸۸ ایران را در تحولات مصر و تونس آشکارا مشاهده کرد. اگر مبارک و آمریکا و حتی برخی از چهره های اپوزیسیون برای به خانه فرستادن مردم، آنها را از میدان دار شدن اسلامی ها میترسانند، و اگر جریانات اسلامی نقشی در تحولات تاکنون نتوانسته اند ایفا کنند، اساسا به دلیل اینست

که خیزش میلیونی مردم علیه حکومت اسلامی ایران در سال ۸۸ اثرات عمیق خود را در این کشورها نیز گذاشته است. یکی از جوانان انقلابی مصر در پاسخ به این سوال که آیا آنطور که خامنه ای میگوید انقلاب مصر متأثر از انقلاب اسلامی ایران است، جواب میدهد که به هیچوجه انقلاب مصر اسلامی نیست و اگر بخواهیم از شباهت بگویم، نه با "انقلاب اسلامی" بلکه با انقلاب سال گذشته در ایران شباهت دارد.

اما وقتی از "خاورمیانه جدید" سخن میگویم صرفا با احتساب انقلاب هنوز به سرانجام نرسیده ایران نیست. بلکه خود انقلابات مصر و تونس گرچه هنوز در آغاز راه هستند، و خیزشها و اعتراضاتی که در کشورهای عربی نظیر یمن و اردن و کویت و غیره در جریان است، طلوع این دوره جدید در خاورمیانه را اعلام کرده اند. هم اکنون که این سطور را مینویسم کشاکش جدی ای میان جبهه بورژوازی که توسط نیروهای رنگارنگی نمایندگی میشود با جبهه انقلاب که جوانان و کارگران و مردم را شامل میشود در مصر و تونس و حتی در اردن و الجزایر و یمن در جریان است. توطئه ها مثل روز روشن هستند. هر دو طرف دارند جواب یکدیگر را میدهند. در مصر بعد از اینکه دولت آمریکا نشانه هایی از چرخش به سوی حفظ مبارک را نشان داد، تظاهرات گسترده گشتی بیشتری بخود گرفت. اعتصابات کارگران سوئز و بنادر و همچنین اعتصابات پرستاران و پزشکان و وکلا شروع شد. هم اکنون بخشهای زیادی از کارگران، معلمان، پرستاران وارد اعتصاب در مصر شده اند. بسیار محتمل است که همزمان با انتشار این نوشته حسنی مبارک از صحنه کنار رفته باشد و انقلاب مصر وارد دور بعدی خود برای کنار زدن بقیه دم و دستگاه حکومت و نظام موجود شده باشد. سیر رویدادها و حضور گسترده مردم در انقلاب و انتظارات و توقعاتی که از جانب کارگران و جوانان و زنان و مردم دارد بیان میشود، این را تاکید میکند که جبهه انقلاب قصد کوتاه آمدن و کنار آمدن با يك سناریوی ماستمالی کردن انقلاب را ندارد و

انقلاب حتی با کنار رفتن مبارک با قدرت ادامه خواهد یافت. در تونس نیز همین روال جریان دارد و تمام تلاش جبهه ارتجاع بورژوازی برای ساکت کردن مردم بجایی نرسیده است. دولتهای غربی و شخصیتها و مدیای بورژوازی صراحتا نگرانی خود را از اثرات زنجیره وار یا دومینیونی انقلاب (DOMINO EFFECT) بر سایر کشورها پنهان نمیکند.

"خاورمیانه جدید" فی الحال با ابراز وجود انقلابی جبهه کارگران و مردم انقلابی متولد شده است. این يك رویداد مهم و تاریخی است و هیچکس نمیتواند مانع اثرات زنجیره وار آن نه فقط در منطقه بلکه در سطح جهان شود. حضور نیروی عظیم کارگران و مردم و بویژه زنان در معادلات قدرت و سیاست و حقوق اجتماعی، فضای خاورمیانه را اساسا دگرگون خواهد کرد. این جبهه به دلیل همان دیکتاتوری و سرکوب و خفقان تاکنونی، هنوز متحذب و متشکل نیست. جهت گیری خود را به صورت برنامه ها و پلتفرم روشنی بیان نکرده است. و این جای نگرانی دارد. اما دخالتگری مردم در سرنوشت و آینده جوامع، اگر حتی فقط این نتیجه را داشته باشد که آزادیهایی نظیر حق تشکل و تحزب و آزادی بیان را در کوتاه مدت بطور عملی و رسمی بکرسی بنشانند، میتوان مطمئن بود که به نحو نسبتا سریعی میتواند بر اساس تجربیات جهانی بر این ضعف نیز فائق آید. قطعاً خاورمیانه همچنان صحنه کشاکش نیروهای طبقاتی متضاد خواهد بود. اما حضور و دخالت گسترده مردمی که بقول یکی از جوانان انسانیتشان تاکنون پایمال شده است و آمده اند تا "منزلت و کرامت انسانی" را به جامعه بازگردانند، این امیدواری را قویا ایجاد میکند که خاورمیانه جدید فضا و محیط بسیار انسانی تر و آزاد تر و شادتر و مرفه تری داشته باشد. فضایی که بهیچوجه قابل مقایسه با قبل از آن نخواهد بود و حتی برای کارگران و مردم بی آفق شده و اسیر سرمایه داری در غرب نیز میتواند الگو قرار گیرد. *

نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

نان، آزادی، ... از صفحه ۱

حمید تقوایی

پنجه نرم میکنند خواست و آرمان آشنائی است!

در ایران خواست معیشت و منزلت يك شعار رایج در مبارزات مردم و مشخصا مبارزه معلمان و کارگران بوده است. در دوره ای در مبارزات دانشجویان شعار آزادی برابری هویت انسانی به اهتزاز در آمد و امروز در اعتراض به طرح حذف یارانه ها "زندگی انسانی حق مسلم ما است" شعار فعالین در جنبش کارگری است. خیزش انقلابی ۸۸ نیز در مضمون و محتوی خود انقلابی انسانی بود. اما انقلاب مصر این انسانگرایی را در يك بعد عظیم اجتماعی مطرح میکنند و در برابر چشم همگان قرار میدهد. اینجا دیگر با يك ارزبایی تحلیلی و یا شعارهای بخششانی از جامعه در جنبشهای اعتراضی روبرو نیستیم. يك انقلاب عظیم میلیونی علیه يك نظام سرکوبگر و فاسد سر بلند کرده است و از همان قدم اول روشن و شفاف بر پرچم خود نوشته است نان آزادی کرامت انسانی! چرا چنین است؟ آیا خواست کرامت و منزلت و هویت انسانی تصادفی و یا بر اثر نفوذ ایده های انساندوستانه لیبرالی و حقوق بشری به شعار و خواست اعتراضات و انقلابات عصر ما تبدیل شده است؟ به نظر من کاملا بر عکس است. دفاع از انسانیت امروز به توده مردم انقلابی محول شده است، چون بالائی ها، طبقه حاکم با تمام دولتها و مدیا و فلسفه و سیاست و فرهنگ رسمی اش رسماً و علناً و مستقیماً در برابر انسان و انسانیت و حرمت و کرامت انسانی قرار گرفته اند. دفاع از انسان به خیابان منتقل شده چون در پارلمانها و کابینه ها و دالانهای قدرت تصمیمات ضد انسانی میگیرند و اجرا میکنند. دفاع از منزلت انسانی به گفتمان توده مردم بدل شده چون در آکادمیها و در محافل فکری و فلسفی رسمی حاکم، تئوریهای رنگارنگی در انکار هویت جهانشمول انسانی بهم میبافند. بلند کردن پرچم انسانیت يك ضرورت عینی و پایه ای انقلابات دوره ما، دوره پساچنگ سرد و دوره نظم نوین جهانی سرمایه داری همیشه



مبارک و رئیس سازمان امنیت او شخصاً زندانیان را شکنجه میکرده است - عیناً مانند رئیس جمهور تیر خلاص زن ایران - و این عمل نیز نه تنها با اطلاع آمریکا و سازمان سیا صورت میگرفته بلکه جزئی از طرح "مبارزه با تروریسم" دولتهای غرب بوده است! روی کار آمدن این نوع رژیمهای آدمخوار در مصر و تونس و ایران و دیگر کشورها در منطقه و در سراسر دنیا، نه تصادفی است و نه در در قرون وسطی و جوامع فئودالی ریشه دارد. ریشه این توحش، سرمایه داری عصر ما است. همانطور که تاجریسم و ریکالیسم و و کل سرمایه داری غرب در عصر حاضر با مکتب شیکاگو و مالتی کالچرالیسم و نسبییت فرهنگی اش ضرورت سرمایه داری "نظم نوین جهانی" و خود موجد و حامی و حافظ دیکتاتوریهایی نوع جهان سومی است.

انقلاب مصر بجالش کشیدن کل این دنیا است. بقول ژیک آکتویست و فیلسوف معروف مارکسیست در مصاحبه اخیرش یا تلویزیون الجزیره "انقلاب مصر پایان مالتی کالچرالیسم و نسبییت فرهنگی را اعلام میکنند." اما مساله از این فراتر است. انقلاب مصر و کل خیزشهای انقلابی در این دوره، از جمله جنبش انقلابی ۸۸ ایران، پایان حرکتی ارتجاعی قومی و مذهبی، که يك وجه مشخصه به اصطلاح "انقلابهای مخملی" یا در واقع گذار کشورهای بلوک شرق به سرمایه داری بازار آزاد بود، و بخصوص ورشکستگی کامل اسلام سیاسی را نیز اعلام کرد. انقلاب مصر به همان اندازه علیه جنبش اسلام سیاسی و جهت و هدف و ارزشها و شعارهای اسلامی - چه در اپوزیسیون - است که علیه رژیم حاکم در مصر. رژیمهای نظیر مبارک با نشان دادن خطر اسلام سیاسی وجود خود و سیاست سرکوبگرانه خود را توجیه میکنند و حکومت اسلامی در ایران با ضد آمریکائی گری و مستضعف پناهی اش. اظهار لجهی خامنه ای در نماز جمعه اخیر برای چسباندن اسلامیت و الله اکبر و ضد آمریکائی گری اسلامی به انقلاب مصر چنان بیربط و مسخره بود که فوراً با تکذیب اخوان المسلمین جواب گرفت. اما قبل از آن مردم مصر با "نان، آزادی،

کرامت انسانی" جواب خامنه و اخوان المسلمین هر دو را داده بودند و اعلام کرده بودند که انقلاب آنها ربطی به مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری نیروهای اسلامی ندارد.

به این معنی انقلاب مصر نه تنها کمپ غرب، بلکه اردوی اسلام سیاسی را نیز بجالش میکشد و در برابر هر دو قطب تروریسم و ارتجاع جهانی قد علم میکند. این انقلاب ما است. انقلاب جهان متممن در برابر سرمایه داری لجام گسیخته نظم نوین سرمایه. انقلاب پرولتاریای جهانی علیه سرمایه داری جهانی در تمامی ابعاد و اشکال حکومتی و سیاسی و فرهنگی و مذهبی و قومی اش. خواست کرامت انسانی مستقیماً و

سعید به نژاد از کارگران مجروح ایران خودرو جان باخت



بنا بر خبرها و با کمال تاسف روز ۱۵ بهمن یکی دیگر از کارگران مجروح فاجعه کشتار کارخانه ایران خودرو به نام سعید به نژاد که در بیمارستان بستری شده بود، جان باخت. جان باختن سعید به نژاد را به خانواده اش، به کارگران ایران خودرو و به همه کارگران تسلیت میگویم.

یاد این کارگر جانباخته را با تجمع اعتراضی مان و با شرکت گسترده در مراسم بزرگداشت او گرامی بداریم. آمار دقیق قربانیان این فاجعه درناک را کسی نمیداند. آمار از رقمی بین ۸ تا ۱۵ نفر حکایت دارد و جمعی از کارگران ایران خودرو خواهان روشن شدن اسامی و تعداد دقیق کارگران جانباخته شده اند. مجمع عمومی بزرگمان در کارخانه را تشکیل دهیم و خواهان روشن شدن تعداد دقیق جانباختگان و مجازات عاملین این کشتار، تامین زندگی خانواده های جانباختگان برای داشتن يك زندگی انسانی، لغو اضافه کاری اجباری و افزایش چند برابر دستمزد، انحلال حراست و پایان دادن به این شرایط برده وار کار در ایران خودرو شویم. تعدادی از کارگران ایران خودرو در جریان این اعتراضات دستگیر شده و همچنان در بازداشت بسر میبرند. خواهان روشن شدن لیست و اسامی همه کارگران بازداشت شده و آزادی فوری آنها شویم. نجم الدین مدیر کارخانه، روز ۱۵

بواسطه به خواست نان و آزادی مردم مصر مربوط است. نان و آزادی تنها زمانی میسر است که جامعه بر مبنای انسان و انسانیت و حفظ حرمت و اراده و اختیار انسانها سازمان یافته باشد و این معنایی بجز سوسیالیسم ندارد. توحش نوع قرون وسطائی سرمایه داری عصر ما از یکسو اکثریت عظیمی از مردم دنیا را به شرایط مادون انسانی رانده و از سوی دیگر سوسیالیسم را بعنوان تنها راه دفاع از حرمت و کرامت انسانی به امر عاجل و دستور روز انقلابات توده ای تبدیل کرده است. این مهمترین خصوصیت سرمایه داری دوره ما و انقلابات توده ای در دوره ما است.*

اسفند را موعد پاسخگویی به خواستهای کارگران اعلام کرده و قول تشکیل شورای اسلامی داده است. اینها میخواهند وقت بخرند و سپس با تشکیل شورای اسلامی، مبارزات کارگران را مهار کنند. نباید به آنها فرصت بدهیم. باید مجامع عمومی خود را برگزار کنیم و نمایندگان واقعی خود را بدون دخالت کارفرما و حراست و سایر ارگانهای وابسته به کارفرما و دولت انتخاب کنیم. ایجاد تشکل حق مسلم ما و امر خود ما کارگران است. يك خواست مهم کارگران ایران خودرو پایان دادن به شرایط ناامن کار در این کارخانه است و این تنها در صورتی عملی میشود که خود کارگران و نه کارفرما بر شرایط ایمنی محیط کار نظارت داشته باشند. ایجاد کمیته ایمنی کار توسط کارگران حق مسلم کارگران است و باید به نیروی خود کارگران و با اتکا بر مجمع عمومی تشکیل شود و به کارفرما تحمیل شود.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ بهمن ۱۳۸۹، ۶ فوریه ۲۰۱۱

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

بازتاب هفته

به وزیر خارجه رژیم اسلامی ویزا داده نشد



بهروز مهر آبادی

علی اکبر صالحی وزیر خارجه جدید جمهوری اسلامی از شرکت در کنفرانس امنیت مونیخ محروم ماند. این کنفرانس از روز جمعه ۲۲ بهمن به مدت سه روز برگزار می شود و شرکت کنندگان آن را وزرای خارجه و وزرای دفاع کشورها، کارشناسان نظامی و فروشندگان تسلیحات نظامی تشکیل تشکیل می دهند. این کنفرانس محلی برای تبادل نظر، انجام معاملات و زد و بندهای نظامی و سیاسی و تجدید تقسیم بازار فروش اسلحه و تجهیزات جنگی است. شرکت های بزرگ اسلحه سازی و وزارت دفاع آلمان تامین کننده های اصلی هزینه های برگزاری این کنفرانس است. نام علی اکبر صالحی به همراه تعداد دیگری از دست اندکاران رژیم در لیست اشخاص ممنوع الورد به اتحادیه اروپا قرار دارد و مامورین مرزی اتحادیه اروپا موظفند از ورود این اشخاص به کشورهای عضو اتحادیه جلوگیری کنند. این افراد باید قبل از عزیمت درخواست مصونیت کنند. جای نماینده جمهوری اسلامی در کنفرانسی که به بازار جنگ و کشتار اختصاص دارد، خالی بود. قبل از برگزاری کنفرانس از طرف بعضی دولت ها از جمله آلمان تلاش هایی شد تا ممنوعیت ورود صالحی به اتحادیه اروپا بطور موقت لغو شود. صدراعظم آلمان لغو ممنوعیت سفر وزیر خارجه ایران را برای ادامه مذاکرات هسته ای لازم دانست. اما این تلاش ها به نتیجه نرسید، اعدام وحشیانه زهرا بهرامی دولت هلند را وادار کرد تا با این اقدام مخالفت کند. ممنوعیت سفر مقامات جمهوری اسلامی هر چند رسماً به دلیل تحریم های هسته ای جمهوری اسلامی است، اما این بطور واقعی مساله هسته ای و تحریمهای مرتبط با آن نبود که مانع سفر وزیر خارجه حکومت اسلامی شد، بلکه فضای

نفرت عمومی علیه این حکومت در همه کشورهای اروپایی و اعتراضات وسیع جهانی به احکام اعدام و سنگسار و جنایات حکومت اسلامی است که دست دولتها را برای ادامه و گسترش معاملات و مماشات با این حکومت تا حد زیادی بسته است. اکنون در سطح جهان مساله بستن سفارت خانه های این حکومت و اخراج آن از مجامع بین المللی در دستور نیروهای مترقی و آزادیخواه است و دور نیست که بتوانیم این گام را هم برداریم.*

توجه گران ستمگری در وحشت

یاشار سهندی

"تحولات اخیر در جهان عرب نادرستی این انگاره ها را که از سوی بعضی تبدیل به دگم شده اند را مشخص کرد. در مبارزات سیاسی از جزم اندیشی باید پرهیز کرد." (علی افشاری) کارشناسان و نظریه پردازان بورژوازی خیلی کوشش میکنند که از بکار بردن واژه انقلاب در مورد "تحولات جهان عرب" امتناع کنند اما وقوع انقلابات زنجیره ای در کشورهای منطقه خاور میانه و شمال آفریقا آنها را وادار کرده است هر چند با اکر این تحولات را "جنبش انقلابی"، "قیام مردمی" و "انقلاب" بنامند. چرا که نمی توانند منکر وقایعی شوند که جلو چشم همگان دارد به وقوع می پیوندد. این کارشناسان که همیشه انقلاب را مترادف با "خشونت کور" قلمداد میکردند تا آن را از چشم مردم بیندازند اکنون ظاهراً متقاعد شدند که انگاره ها را که از سوی بعضی تبدیل به دگم شده اند را کنار بزنند. آن "بعضی" که البته خودشان را نیز شامل میشود تا همین دیروز از بکار بردن واژه انقلاب پرهیز میکردند که مبادا کلامشان آلوده به خشونت گردد؛ اما گویا میشود بدون "جزم اندیشی" از انقلاب حرف زد و از "خشونت کنترل شده" و "خشونت موجه در مبارزات مسالمت آمیز" حرف به میان کشید. این درسی است که علی افشاری از "تحولات جهان عرب" فرا گرفته است. به زعم ایشان دلیل اینکه "جنبش سبز" ادعایی ایشان به موفقیت نرسید این بوده که

از "خشونت کنترل شده" پرهیز کرده است و "رهبران سمبلیک" شجاعت لازم را نداشتند و پشت مردم قایم شده بودند! و ایشان یا پیش گذاشته است تا این "تابوها" را بشکنند. علی افشاری تاکید میکند: "... این رویداد ها نشان داد که تضادی بین انقلاب بمشابه یک روش سیاسی تغییر خواهی با دموکراسی وجود ندارد. می توان با خواسته های انقلابی و روش انقلابی گذار به دموکراسی را تسهیل نمود. هیچ اصلی وجود ندارد که بر اساس آن نتیجه گیری نمود لزوماً مسیر انقلاب به دموکراسی منتهی نمی شود." لازم است یادآور شویم که در تمام سالهای گذشته و بخصوص در سال ۸۸ تمام تفاسیر و نظریه پردازی این کارشناسان بر این استوار بود که هیچ تفاهمی بین انقلاب و دموکراسی و آزادی نیست و این دو مانند سنگ و شیشه می مانند. ایشان البته یک تئوری دیگر هم در همین نوشته ارائه میدهند که جالب است و آن اینکه گویا مردم ایران به گرسنگی و فقر خو کرده اند و به همین دلیل دست به انقلاب نمی زنند. میگویند "شروع اعتراضات در تونس و مصر و دیگر کشورهای عربی بر مبنای مشکلات اقتصادی بود. رکود اقتصادی و وخامت اوضاع پس از یک دوره بهبود مستمر باعث فوران خشم شد. ... اما در ایران سال ها است که مردم با وضعیت اقتصادی نا بسامان خو گرفته اند. رصد کردن تاریخ نیز نشان می دهد زمانی مردم ایران پرچم مبارزه را برافراشته که به طور نسبی در وضعیت اقتصادی بهتری بسر برده اند." روشن است که "تحولات در جهان عرب" موجب تحول فکری علی افشاریها نشده است بلکه موجب وحشت ایشان گشته است. این انقلابات نشان داده که "تحولات" را فقط "بزرگان" در کابینه ها دولتها تعیین نمی کنند بلکه درست وسط خیابان و در میدان مرکزی شهر مردم تحولات را رقم میزنند و آنها جلو پشم همه مردم دنیا. "لابی گری" شیوه "تصمیم سازان" حاکمان ستمگر است که در کرویدورهای بی انتهای پارلمانها رقم زده میشود، مردم اما تصمیمات شان در منظر عمومی مردم جهان میگیرند و این هم نه از سر خوشی و شکم سیری و یا ناامیدی از فقر، بلکه درست هنگامی اینکار را میکنند که به قدرت خویش باور پیدا

میکند. و اینجاست که هیچ نیرویی نمی تواند جلودارشان باشد. این روزها در مصر در میدان تحریر قاهره وقایعی به وقوع می پیوندد که تا یکماه پیش تصور آن ناممکن می نمود. همان مردمی که ظاهراً "آتمیزه" شده بودند و بر سر یک لقمه نان به هم می پریدند اکنون که احساس رهایی میکنند و احساس میکنند که کاره ای هستند تا میتوانند در خدمت همدیگر هستند و آرزوی شاعر به وقوع می پیوندد که مردم "کاردهایشان را جز از برای قسمت کردن بیرون" نمی آورند. البته در نوشته ایشان افاضات ارتجاعی و توهم پراکنی ها زیاد است و لزومی به پرداختن به همه آنها اینجا نیست. فقط یک نمونه از این افاضات ایشان را یادآور میشوم و به نوشته خویش پایان میدهم و آن تقدیس ارتش است. ایشان به نقش ارتش مصر اشاره کردند که میخواستند "محبوب" بماند و کنار ایستاده است و در مقایسه به سپاه اشاره میکند که (آنها) در سطح فرماندهان شان) در خدمت نظام

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
- ۲- آزادی زندانیان سیاسی
- ۳- لغو مجازات اعدام
- ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
- ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
- ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
- ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
- ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
- ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
- ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهان مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

بازتاب هفته

جنايات كهريزك و معضل پرونده سعيد مرتضوي!



محمد شكوهي

اعتراضات مردم و افكار عمومي جهان در بربند. دو هفته پيش هم يك مقام دولتي اعلام كرد كه سعيد مرتضوي يكي از مشاوران احمدي نژاد است و فعلا با "ستاد مبارزه با فساد و قاچاق کالا" همكاري كرده و مشغول "خدمت به نظام" مي باشد. سعيد مرتضوي، رادان، خامنه اي و احمدي نژاد، اژه اي رئيس قوه قضائيه، جعفري دولت آبادي دادستان فعلي تهران، در كنار صدها مقام بلند پايه جمهوري جنايت و اعدام، عاملان و طراحان پيش از سه دهه سرکوب و كشتار مردم ايران مي باشند. حكومت جمهوري اسلامي در دست چنين جنايتي بوده و توسط آنها اداره مي شود. انتظار دستگيري و محاكمه جانبيان توسط حكومتي كه فلسفه وجوديش جنايت و آدمكشي است، انتظاري بيهوده مي باشد. نمايش دادگاه حكومتي عاملان جنايت كهريزك كه چنده ماه پيش برگزار گرديد و ۱۳ نفر را محكوم كرد، قرار بود پرونده جنايات جمهوري اسلامي در كهريزك را ببندد و مانع آبروريزي بيشتري حكومت شود. اما فشار افكار عمومي و خانواده هاي جانباختگان همانگونه كه اينها را ناچار به

انقلاب در مصر، انقلاب در ...

از صفحه ۱

شده است. اين شرايط بويژه در جامعه ايران كه ميتوان گفت با انقلاب ۸۸ پيش كسوت اين روند بوده است به تحرك تازه اي دامن زده است. "بعد از بن علي سيدعلي" و "چه تهران چه قاهره ديكتاتور بايد بره" به گفتمان روز توده مردم و جوانان و فعالين جنبشهاي اعتراضی عليه جمهوري اسلامي تبديل شده است. مردم و فعالين جنبشهاي اعتراضی از انقلابات چاري در تونس و مصر درس و الهام ميگيرند، اين تحولات را با خيزش انقلابي سال ۸۸ در ايران مقايسه ميکنند، و خود را براي مبارزه نهائي عليه جمهوري اسلامي، "مبارزه اي كه اين بار بايد كار را يكسره كند"، آماده ميکنند. در اين جو و فضاي اعتراضی موسوي و كروبي و نيروهاي طرفدارشان در اپوزيسيون نيز فعال

برگزاري چنين دادگاههايي كرده بود مانع آن شد كه پروژه مختومه اعلام كردن پرونده كهريزك توسط حكومت به نتيجه دلخواه برسد. كهريزك لکه جنايت و ننگ ديگري بر پيشاني جمهوري جنايت اسلامي باقي خواهد ماند و اين پرونده تا سرنگوني حكومت بسته نخواهد شد. جمهوري اسلامي بدون اين جنايات، بدون قوانين ضد انساني اش، بدون وجود عناصری نظير قاضي مرتضوي نمی توانست و نمی تواند حتی يك روزهم بر سر كار بماند. دستگيري و محاكمه عاملان و آمرين پيش از سي سال جنايت، اعدام و سرکوب، از جمله مرتضوي و تمام مسئولان و مقامات دولتي و نظامی از خامنه اي گرفته تا احمدي نژاد و... و محاكمه آنها به اتهام جنايت بر عليه بشریت، يك خواست فوري ميليونها مردم ايران می باشد و بطور قطع تك تك اينها با سرنگوني جمهوري اسلامي در دادگاههاي علني مردم محاكمه خواهند شد. جمهوري اسلامي گريزي از اين سرنوشت ندارد. *

ري شهري "مجتهد و مرجع تقليد" می شود!

محمد شكوهي

درخبرهاي جمهوري اسلامي آمده بود كه "مرجعيت" ري شهري به اصل ولايت فقيه كل نظام را نشانده گرفت. در برابر اين روند انقلابي كه در روز ۶ ديمه ۸۸ (عاشورا) به اوج خود رسيد، موسوي و كروبي تلاش كردند به هر طريق كه ميتوانند حركت مردم را در چارچوب نظام نگاهدارند. نقشي كه امروز در تونس و مصر عمر سلیمان ها و غنوشي ها بعهده گرفته اند. اين نقش را مردم ايران بخوبي ميشناسند. براي مردم ايران از همان سال ۸۸ روشن بود كه "موسوي بهانه است كل رژيم نشانه است" اما امروز موسوي حتی ديگر بهانه هم نيست. امروز "بهانه"، و در واقع فراخوان دهند، انقلاب تونس و مصر است. انقلابهايي كه نه در ادامه هيچ جريان اسلامي، و يا حتی به بهانه آنها، بلکه در تمايز و تقابل كامل با تشبثات نيروهاي مذهبي براي محدود كردن مبارزات مردم شكل گرفته و سر بلند کرده اند. امروز در مصر مردم با خواست برکناري

زودي رسماً اعلام خواهد شد. ري شهري كيست و چرا بايد مرجع تقليد جمهوري اسلامي شود؟ محمد محمدی معروف به ري شهري جزو اولين دادستانهاي جمهوري اسلامي بود كه در سال ۱۳۵۸ توسط خميني به اين پست گماشته شد! او يكي از جلادان مشهور حكومت در كنار لاجوردي و خلخالي است. وي حاكم شرع دادگاههاي انقلاب اسلامي، دادگاه انقلاب ارتش، وزير اطلاعات، دادستان كل كشور رژيم در دهه ۶۰ بوده است. اوایل دهه ۶۰ ري شهري در معيبت نيري رئيس دادگاههاي انقلاب تهران، گيلاني، لاجوردي و به دستور خميني در محاكمات ۵ دقيقه اي هزاران نفر از بهترين انقلابيون و كميونستها را به اعدام محكوم کرده و قتل عام كردند. شخص خميني بارها و بارها از "مجاهدتهاي" ري شهري براي اسلام سخن گفته است. وي همچنين مدتهاي زيادي در راس سيستم قضايي جمهوري اسلامي و كمييسيون قانون اساسي بوده و از مدافعان سرسخت لايحه مجازات اسلامي، سنگسار و "لايحه قصاص" جمهوري است بوده است. علاوه بر اين از طرف خميني جزو "علمای" ناطر بر ارگانهاي رژيم چون شوراي انقلاب فرهنگي، بيت رهبري، و فقهاي شوراي نگهبان بوده است! ري شهري در كنار جلادي چون خميني،

فوري مبارك در ميدان التحرير اند و اخوان المسلمین بر سر ميز مذاکره، و در ايران مردم عليه كل نظام به خيابان ميآيند و اخوان المسلمین هاي "وطني" براي عقلائي كردن رژيم و بازگشت به دوره خميني! انقلاب ما نيز مانند انقلاب مردم مصر براي نان و آزادي است، و اين انقلاب وقتي به پيروزي ميرسد كه نه تنها عليه رژيم حاكم بلکه عليه كليهي نيروهائي باشد كه ميخواهند به نوعي انقلاب را محدود كنند، در نيمه راه متوقف كنند، آنرا تحريف كنند و يا به بيراهه ببرند.

مردم آزاده ايران!

بنيانهاي اساسي ماشين كشتار و اعدام، زندانها و جوخه هاي مرگ را با همكاري خلخالي، گيلاني و لاجوردي، حاج بخشي، نيري را سازمان و راه انداخت. در جريان اعتراضات مردم در تركمن صحرا، آمل، كردستان وي دادستان بوده و شخصاً صدها نفر را محاكمه و كرده و احكام اعدامشان را صادر کرده است! در اواخر دهه ۶۰ و بويژه بعد از پايان جنگ ايران و عراق، وي در "كميسيون پاكسازي زندانها" عضويت داشته و در جريان قتل عام زندانيان سياسي در تابستان ۶۷ نماينده خميني در "كميته مرگ" بوده است.

با اين سوابق خدمت به جمهوري اسلامي و جنايات بيشمير ديگر، ري شهري واقعا هم سزاوار است كه درجه "اجتهد" گرفته و راهي تدريس در حوزه هاي علميه رژيم بشود. البته تاز ماني كه در كنار خامنه اي و احمدي نژاد و صدها مقام بلند پايه حكومت جنايت و شكسجه و سنگسار و چپاول با فرمان انقلاب مردم كل اين ماشين جنايت درهم كويده شود و همه اين ها به جرم جنايت عليه بشریت محاكمه شوند. آن روزهاي تاريخي دارد از راه ميرسد. *

زمان به گور سپردن نظامهاي ديكتاتوري در منطقه فرا رسیده است. ما ميتوانيم و بايد اين بار كار را يكسره كنيم. بايد از هر فرصتي براي اعتراض و تظاهرات و راهپيمايي و بلند كردن فرايادمان عليه كل نظام جمهوري اسلامي استفاده كنيم و بايد در هر حركتي كل نظام را نشانه بگيريم و اجازه ندهيم نيروهاي ترمزكننده انقلاب ميداني براي عرض اندام پيدا كنند.

سرنگون ياد جمهوري اسلامي!
زنده باد انقلاب!

حزب كميونست كارگري ايران
۲۰ بهمن ۱۳۸۹ - ۹ فوریه ۲۰۱۱

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

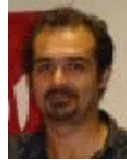
www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

تناقضات و اعترافات در دفاع ریاکارانه از انقلاب مردم!

در حاشیه بیانیه های اخیر موسوی و کروبی



هفته گذشته میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو بیانیه صادر کرده اند که در یکی از آنها مردم را به حمایت از انقلابات یا به بیان خودشان "حرکات" مردم در تونس و مصر در روز ۲۵ بهمن فراخوان داده اند. بیانیه ای که در واقع، تحت فشار افکار عمومی و طرفداران داخلی - و بالاخره پس از آنکه اخبار مربوط به این انقلابات در صدر رسانه ها و مدیای جهانی قرار گرفت و مباحث و تحلیل های بسیاری را پیرامون تأثیر این وقایع در انقلاب ایران برانگیخت - صادر شده است. و بیانیه دیگری هم البته بمناسبت سالگرد ۲۲ بهمن منتشر کرده اند که این بیانیه دوم، در مضمون خود يك اعتراف نامه است و کیفرخواست است. اعتراف نامه است و تکیه که برپایه دوباره چوبه های دار و "دور جدید تواب سازی ها و اعتراف گیری ها و شکنجه در محبس ها" اشاره می کند. و کیفرخواستی است علیه مسببان و حاکمینی که بیشتر از سی سال گسترده تر و وحشیانه تر از امروز شکنجه و جنایت و کشتار را به مردم تحمیل کرده اند و اینها امروز به دلایل قابل فهمی ترجیح میدهند از دوره های جنایتکارانه قبل سخنی نگویند و آژا مکتوم بگذارند. چون بطور واقعی هم منبوحانه تلاش میکنند جامعه را به آن دوره های سیاه و خونین بازگردانند. در این نوشته، پیش از آنکه بخواهم به تناقضات نهفته در اینگونه بیانیه ها بپردازم، ابتدا باید به خود نقش و جایگاه متضاد موسوی و کروبی و خاتمی در انقلاب مردم ایران اشاره کنم. به اینکه مسئله ای بنام اصلاح و رفم و آن شخصیت های سیاسی که این روند در روزهای آخر هر حکومتی از خود بیرون می دهد، اساسا با به خیابان آمدن مردم در جریان خیزش های خیابانی سال ۸۸ در ایران بی معنا شده است. موسوی و کروبی و خاتمی در واقع قرار است سویاپ اطمینان نظام اسلامی و طبقه سرمایه داری حاکم بر ایران در مواقع بحران و انقلاب باشند و تاکنون هم همین نقش را ایفا کرده اند. در طول یکسال گذشته، همچنانکه خود موسوی هم بارها در بیانیه هایش

خودکامه مصر، اظهار پشیمانی می کنند و وعده اصلاحات و تغییرات می دهند و البته مردم - بدرستی - باور نمی کنند و در قدم اول، خواستار کنار رفتن کلیت بساط دیکتاتوری و روشن جنایات و حسابهای بانکی شان می شوند. امروز، موسوی و کروبی دارند به استقبال چنین روزهایی می روند و اساسا مدتهاست در این مسیر گام نهاده اند و مدتهاست که حاکمیت مذهبی را نسبت به این خطرات هشدار داده اند.

موسوی و کروبی دو سال است که در پاسخ به امواج انقلاب مردم بیانیه می دهند، درخواست مجوز می کنند و با حيله های حکومت و تناقضاتی که خود این نوع جریانات در دفاع ریاکارانه از انقلاب مردم با خود همراه دارند، در فراخوان هایی هم که می دهند، طرفدارانشان را به سیاهی لشکر خامنه ای و جناح ولی فقیه تبدیل می کنند و بقول خودشان "ساختار شکنی" پرهیز شود! تمام این کارها را می کنند تا در هر حال، شاید بتوانند هم در کنار اصول و ساختارهای جمهوری اسلامی باقی بمانند و هم از ترس عافیت و فوران خشم مردم، خود را طرفدار مردم و انقلابی نشان دهند و از خواسته های مردم بگویند. این جماعت خودشان بخوبی می دانند که ساختاری که بیشتر از سی سال، پایه گذار و رئیس مجلس و نخست وزیرش بوده اند، هیچ چیزی نبوده است جز يك ماشين سازمانیافته دزدی، غارت و آدمکشی و مجموعه اینها، این الا کلنگ بازی با انقلاب مردم و عدم اعتراف به جنایات و دزدی ها، نه تنها - حتی - اصلاح طلبی هم نیست بلکه يك تلاش شیادانه است برای پنهان کردن بسیاری از حقایق و به انحراف کشاندن انقلاب مردم. بیانیه های موسوی و کروبی را می بایست در يك چنین پیش زمینه ای مورد بررسی قرار داد.

دفاع ریاکارانه از انقلاب مردم مصر و تونس، به صدور بیانیه های متناقض و دوگانه ای می انجامد که

در نهایت گریبان خود تک تک مقامات سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی را می گیرد. اینکه حتی در بیانیه ای که بمناسبت سالگرد پیروزی خونبارشان در سال ۵۷ صادر می کند، اعتراف نمایند که چطور مردم ایران، مانند مردمان امروز کشورهای عرب زبان خاورمیانه، برای آزادی و رفاه بلند شده بودند و این از گور برخاستگان تاریخ، انقلابشان را دزدیدند و جنگ، فقر و فلاکت و اعدام و سنگسار تحویلشان دادند و اینکه چطور مجبور می شوند اعتراف کنند هم اکنون هم پس از بیشتر از سی سال، همان بساط دیکتاتوری و خونریزی و فقر برقرار است و همان مناسبات بازتولید شده اند و اینبار البته، با وارد کردن مذهب و قوانین اسلامی به شخصی ترین امور و به سرنوشت و زندگی میلیونها انسان. درخواست مجوز

کروبی و موسوی برای تظاهرات ۲۵ بهمن تا این لحظه از جانب "محسنی اژه ای" دادستان کل جمهوری اسلامی و سخنگوی دستگاه قضایی اینچنین پاسخ گرفته که "مخالفان اگر میخواهند از مردم مصر حمایت کنند، باید در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کنند نه آنکه راهپیمایی جداگانه ای برگزار کنند". برای مردم سرنوشتی طلب و آزادی خواه ایران هر فرصتی که امکان تجمع و تظاهرات و شعار دادن علیه دیکتاتوری پیش آید غنیمت است و از آن برای سردادن فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر خامنه ای استفاده خواهند کرد. همانگونه که تاکنون از این فرصتها بدرست استفاده کرده اند. موسوی و کروبی و نیروهای ملی اسلامی مدافع حکومت اسلامی چه بفهمند چه نفهمند، جایی در کنار مردم ندارند.*

به مناسبت ۲۲ بهمن: میتینگ اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در استکهلم در سوئد

زمان به گور سپردن نظامهای دیکتاتوری فرا رسیده است! مردم آزادیخواه! در سالگرد انقلاب ۵۷، بیائید تا به اتفاق هم صدای اعتراض و انقلابمان را علیه رژیم فقر و سرکوب

جمهوری اسلامی رساتر کنیم. جمعه ۱۱ فوریه ساعت ۱۷ استکهلم. میدان سرگل تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری. استکهلم فوریه ۲۰۱۱ - ۲۰۱۱ بهمن ۱۳۸۹

تظاهرات، جمعه ۱۱ فوریه، ۲۲ بهمن، اسلا

۲۲ بهمن روز اعتراض به ۳۲ سال حاکمیت ضد انسانی جمهوری اسلامی و روز گرامیداشت انقلاب آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ است.

واحد نوروز حزب کمونیست کارگری ایران از همه کمونیستها، آزادیخواهان، برابری طلبان و همه مخالفین جمهوری اسلامی میخواهد که در تظاهراتی که روز جمعه، ۱۱

Tehran, Cairo Dictators Must Go!



Tel: 0046-739318404
Fax: 0046- 8 6489716
markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

اساس سوسیالیسم انسان است!

بیست و دو بهمن فرا میرسد: زنده باد انقلاب



سلطه خود از هیچ جنایت و قهقرا و تاجر و جنایتی ایا ندارند، برای همیشه مهر پایان بگذارند. با رسیدن به این هدف است که ۲۲ بهمن و انقلاب ۵۷ ارزش و جایگاه شایسته خود را در تاریخ جامعه ایران باز خواهد یافت. زنده باد ۲۲ بهمن، زنده باد انقلاب، زنده باد سوسیالیسم! مرگ بر جمهوری اسلامی!

به فرد نیست و کم نیستند مواردی که خبرش حتی به روستای بغلی هم نمی رسد و زنان و دختران بیشمار بدون اینکه کسی اسمشان را بداند به فتوای آخوندهای مرتجع محل و دستور دادگاههای اسلامی به قتل رسیده و مرگشان در سکوت عمدی و سازمان یافته ای به فراموشی سپرده می شود. این جنایات را نباید ندیده گرفت و به آسانی از کنار آنها گذشت. باید کاری کرد و هر چه زودتر باید کاری کرد قبل از اینکه حناهای دیگری به سلاخی برده شوند. بخاطر اینکه بچگی را و رویای شیرین را به دختر بچه هائی مانند حنا برگردانیم، بخاطر اینکه قلبهایمان از شنیدن اخبار این جنایات بدر نیاید، بخاطر اینکه شاهد کشتن و سنگسار و اعدام و شکنجه دختران و زنان بی حقوق باشیم، باید حاکمیت قوانین اسلامی و مذهبی را یکبار برای همیشه از روی زمین پاک کنیم. باید دنیائی بسازیم که زن بخاطر زن بود مجرم قلمداد نشود و دختر بچه ها از ترس تجاوز و اذیت و آزار بر خود نلرزند.*

شنید، شور و التهاب و امیدواری برای پایان دادن به توحش حاکم در ایران صد چندان شده است. انقلاب در ایران يك واقعیت زنده است. انقلاب در ایران پرچم روشن و راه تعریف شده خود را پیدا کرده است. حزب و برنامه خود را دارد. و کارگران و مردم ایران مصممند که کار ناتمام خود در سال ۵۷ را به انجام برسانند و به حاکمیت مفت خوران سرمایه که برای حفظ

ارتجاعی و ضد زن اسلامی زندگی را بر زنان جهنم کرده و آنها را از کوچکترین حقوق انسانی محروم کرده است. تنها تعصب و خرافه و مذهب می تواند انسان را به آن درجه از بیرحمی و قساوت بکشاند که به خود اجازه بدهد بر علیه دختر بچه چهارده ساله ای که مورد خشونت و تجاوز قرار گرفته است حکم هشتاد ضربه شلاق صادر کند و او را بیرحمانه و در اوج قساوت به مرگی پر از درد محکوم نماید. تنها چنین جانوران قسی القلب عهد عتیقی و مرتجع و ضد بشر می توانند دستان کثیف خود را بلند کرده و بر پیکر نحیف دختر بچه بیگناهی ضربات مرگبار شلاق وارد کنند. سازمانهای حقوق بشر و جریانهای مختلف حقوق زنان چه در بنگلادش و چه در سطح دنیا قتل فجیع و غیر انسانی حنا را محکوم کرده و از دولت بنگلادش خواسته اند عاملین این جنایت را محاکمه و مجازات نمایند. تحت فشار داخلی و بین المللی دولت بنگلادش فعلا ناچار به بازگشائی این پرونده و تحقیق حول آن شده است. اما مورد حنا منحصر

نیروهای قبرستانی بوده است. در هیچ روز و سالی بورژوازی نتوانست ادعا کند که ایران بعد از ۲۲ بهمن را تصاحب کرده است. نتوانست ادعا کند که مردم را به تمکین و سکوت کشانده است. نتوانست کابوس انقلابی دیگر را از سر بدر کند. اکنون در سی و دومین سالروز انقلاب ۵۷، از جامعه ای داریم صحبت میکنیم که يك سال قبل از آن یعنی سال ۸۸ حاکمین اسلامی سرمایه را تا آستانه سقوط رانده است. اینها هنوز سرپا هستند. اما يك روز هم نتوانسته اند وحشتشان را از مردمی که منزلت و حرمت و رفاه می خواهند پنهان کنند. و بویژه در شرایطی که اکنون در مصر و تونس و کشورهای منطقه پژواک انقلاب ۸۸ ایران را میتوان

رسانه های محلی است که ادعا کرده اند تلاشی عمدی برای سرپوش گذاشتن بر این ماجرا وجود داشته است. تاکنون چهار نفر و از جمله يك آخوند در رابطه با ماجرای حنا دستگیر شده و تحت بازجویی قرار دارند. پسر عموی چهل ساله حنا نیز که گفته می شود حنای چهارده ساله را به زور ربوده و به او تجاوز کرده است جزو دستگیر شدگان است. ماجرای حنا دومین مورد حوادث مرگباری است که در رابطه با قوانین شریعت از یکسال گذشته گزارش شده است. در ماه دسامبر نیز زنی در محله رجشاهی به اتهام داشتن رابطه جنسی با پسر خوانده اش بعد از ضرب و شتم با چوب کشته شد. کمیته ها و دادگاههای محلی اسلامی در حقیقت خارج از چهارچوب قانونی کشور و عملا غیر قانونی کار می کنند و فتواها و احکام زیادی بر علیه مردم و مخصوصا زنانی که بنظر آنها از قوانین اسلامی سرپیچی می کنند صادر می نمایند. دولت بنگلادش از وجود و عملکرد این دادگاهها بخوبی مطلع است اما هیچ اقدامی برای بازداشتن آنها در دستور ندارد.

قتل بیرحمانه حنا سند دیگری از جنایات بیشمار جانیان اسلامی است که هر جا نتوانسته اند جا پائی برای خود درست کنند دستشان به خون صدها و هزاران زن آلوده است. از ایران و افغانستان و عربستان و عراق گرفته تا بنگلادش و پاکستان قوانین

داد که میخواستند از دیکتاتوری و سرکوب و زندان و فقر خود را خلاص کنند. ارتجاع هار قرون وسطائی را از گور بیرون کشیدند و به جان جامعه ای انداختند که شاه و ساواک و بی حقوقی و فقر نمیخواست. این دوره سی و چند ساله در تاریخ بشری بعنوان سیاه ترین و جنایت بارترین کارنامه بورژوازی، طبقه حاکم عصر ما بشمار خواهد آمد که شاید قابل مقایسه با هیچ نمونه دیگری نباشد. اما علیرغم همه این تراژدی ای که به جامعه تحمیل کردند، نتوانستند کارگران و مردم را از انقلاب کردن پشیمان کنند. جامعه ایران در سی سال گذشته صحنه جدالی هرروزه میان ارتجاع و انقلاب، میان انسانیت و توحش و میان سرزندگی و

۲۲ بهمن سالروز انقلاب مردم علیه دیکتاتوری آریامهری است. انقلابی که توسط جنبش اسلامی و خمینی به شکست کشیده شد و جمهوری منحوس اسلامی سرمایه داران را بر کرده مردم انقلابی سوار کردند تا آنها را از انقلاب کردن برای همیشه پشیمان کنند. این شکست برای مردم انقلابی برآستی فاجعه بار بود. ابعاد نکستی که بر جامعه انقلاب کرده ایران تحمیل کردند و انتقامی که بورژوازی از کارگران و مردم گرفت برآستی قابل توصیف نیست. نسل کشی، قهقرای اجتماعی، جنگی هشت ساله، فلاکت غیر قابل تحمل، به اجرا گذاشتن توهین و بی حرمتی قانونی، پاسخی بود که بورژوازی به مردمی

گرگهای اسلامی و ... از صفحه ۱

سهیلا شریفی



سرشار از شادی و عشق را برای خود تصور می کرده و حتما ماند همه دخترهای چهارده ساله دنیا از هر فرصتی استفاده می کرده که چهره خود را در آینه و شیشه مغازه ها و یا در برکه آب نگاه کند و از زیبایی خود اطمینان حاصل کند. مطمئنا مانند لباس تازه و گوشواره های طلائی و النگوهای خوشگل و شیطنتهای بچه گانه و بازی با همسالان و به هر بهانه ای خندیدن دنیای کوچک و ساده حنا هم شکل می داده است. او هم حتما مثل هر دختر چهارده ساله ای نگران جوشهای صورتش و موهای پشت لبش و بزرگی و کوچکی سینه هایش بوده است حنا بیگوم فقط يك دختر چهارده ساله بود که اگر در جایی دیگر از دنیا و در شرایط انسانی تری بدنیا آمده و بزرگ شده بود می توانست سرنوشتی بهتر داشته باشد. اما از شانس بد او، حنا در کشوری و منطقه ای بدنیا آمده و زندگی می کرد که قوانین ارتجاعی اسلامی و اخلاقیات ضد بشری و ارتجاعی مذهب نفوذ و قدرت دارند و او را بپیر حمانه به جمع بیشمار قربانیان ارتجاع مذهبی و جهل و عقب ماندگی افزودند. حنا بیگوم دختری چهارده ساله از روستای چامتا در نود کیلومتری داکا پایتخت بنگلادش

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

اعتراضات کارگران پارس متال، آجر سازمایه، پوشینه بافت و نوپان شموشک علیه پرداخت نشدن دستمزدها

کارگران پارس متال: ما کار کرده ایم دستمزدهایمان را می خواهیم!

کارگران پارس متال در پی اعتراضات ممتد خود باز هم در روز شنبه ۱۶ بهمن ماه، دست به اعتراض زدند، بیش از دو بیست و پنجاه نفر از کارگران پارس متال در اعتراض به یازده ماه دستمزدها پرداخت نشده خود و نیز در اعتراض به وضع بلاتکلیف کارخانه دست به تجمع اعتراضی زدند و در مسجد کارخانه تجمع کردند. دو هفته پیش، صد نفر از کارگران این واحد تولیدی در روز دوشنبه ۴ بهمن ماه برای دریافت دستمزدها و مطالبات پرداخت نشده و نقض مکرر قوانین کار توسط کارفرمایان در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زده بودند و خواستار رسیدگی به وضعیت فلاکتبار معیشتی خود گردیدند.

کارگران این واحد تولیدی ماه قبل در روزهای هشتم تا دهم دیماه نیز در اعتراض به نپرداختن دستمزدها، اخراج همکارانشان و خطر تعطیلی کارخانه و بیکاری دست به تجمع اعتراضی زدند. پیشتر هم سیصد نفر از کارگران پارس متال در تیرماه گذشته، با تجمع مقابل دفتر احمدی نژاد نسبت به عدم پرداخت دستمزدها و اخراج کارگران قراردادی توسط کارفرما، تحصن اعتراضی برپا کردند!

کارگران پارس متال عیدی، بن کارگری و پاداش بهره وری سال گذشته را نیز دریافت نکرده اند، کارگران بازنشسته این شرکت از چندسال گذشته تاکنون موفق به دریافت مطالبات سنوات پایان خدمت خود نشده اند. بدلیل سخت و زیان آور بودن کار در این واحد تولیدی و عدم توجه کارفرما برای تهیه لباس و ابزار کار مناسب، بسیاری از کارگران شاغل و بازنشسته این کارخانه در معرض ابتلا به انواع بیماریهای تنفسی و گوارشی ناشی از گازها و غبار مسموم فلزات هستند.

به دلیل بدهی یک میلیارد و سیصد میلیون تومانی هزینه برق توسط سهامداران، برق کارخانه قطع گردید و تمامی فعالیت های تولیدی در این کارخانه متوقف شده است.

هم اکنون در این کارخانه حدود ۳۸۴ کارگر با سابقه ۱۸ تا ۲۰ سال آماده به کار هستند که متوسط دستمزد ماهانه آنها دو بیست هزار

تومان است درحالی که برابر مصوبات شورای عالی کار در سال ۸۹ دستمزد یک کارگر ساده نباید از سیصد و سه هزار تومان کمتر باشد. کارفرمای شرکت حتی بدون توجه به مصوبه شورای عالی کار دستمزد هرکارگر را هفتای ۵۰ هزار تومان تعیین کرده است، دستمزدی که پنج برابر زیر خط فقر اعلام شده از جانب دولت است.

اعتراض کارگران کارخانه آجر سازمایه مقابل دادگستری پاکدشت

روز یکشنبه هفدهم بهمن ماه از ساعات اولیه بامداد، بیش از دو بیست نفر از کارگران اخراجی کارخانه آجر سازمایه در پاکدشت تهران، در اعتراض به یکسال دستمزدهای پرداخت نشده در مقابل دادگستری شهرستان پاکدشت واقع در محل مصلی نزدیک پارک معلم دست به تجمع اعتراضی زدند.

چهارصد و پنجاه نفر از کارگران آجری سازمایه (تولید کننده آجرهای بهمنی) هر کدام حداقل پانزده تا بیست میلیون تومان از شرکت طلبکار است. کارگران خشمگین، خواهان یک سال دستمزد پرداخت نشده خود هستند.

کارفرمای شرکت پیش از این تجمع اعتراضی، برای تفرقه انداختن در صفوف متحد کارگران و فریب آنها، اعلام کرده بود که به تعدادی از کارگران هشتصد هزار تومان پرداخت خواهند کرد، طلب باقی کارگران را نیز بعدا خواهند پرداخت. اما کارگران با آگاهی از نیرنگ کارفرما قاطعانه در مقابل این فریبکاری ایستادند و اعلام کردند باید تمام دستمزدهای پرداخت نشده همه کارگران را یکجا بپردازید! پیش از کارفرمایان شرکت اعلام کرده بودند که در پی آن هستند تا با فروش زمینهای کارخانه، بدهی کارگران بپردازند، اما تمام کارگران هوشیارانه این حيله کارفرمایان شرکت را نیز بی اثر کردند.

کارگران معترض در مقابل دادگستری پاکدشت اعلام کردند، اگر این اعتراض و تجمع به نتیجه مطلوب نرسد، محل تجمع بعدی مقابل فرمانداری پاکدشت خواهد بود.

تجمع اعتراضی کارگران پوشینه بافت در مقابل استانداری قزوین

ساعت ۹ بامداد روز یکشنبه

۱۷ بهمن بیش از ۶۰ نفر از کارگران پوشینه بافت قزوین در اعتراض به ۱۱ ماه دستمزد پرداخت نشده خود، مقابل استانداری قزوین تجمع کردند. کارگران معترض خواهان رسیدگی نسبت به وعده و وعیدهای پوشالی کارفرمایان شرکت، شخص احمدی نژاد، وزیر صنایع و معادن و دیگر دست اندرکاران استان قزوین هستند.

کارگران واحدهای تولیدی فرخ و مه نخ و نازنخ و پوشینه باف سابقه طولانی در سازمان دادن حرکت های اعتراضی برای کسب حقوق پایمال شده خود دارند و بارها اعتراضات وسیعی را سازمان داده اند. در آبانماه سال جاری کارگران پوشینه بافت قزوین هنگام سخنرانی احمدی نژاد در قزوین به پرداخت نشدن دستمزدهای خود اعتراض کردند.

واحدهای نساجی فرخ، مه نخ، نازنخ و پوشینه بافت چهارهزارو پانصد کارگر شاغل داشت، اما در پی بحرانی شدن وضعیت اقتصادی این واحدها به بخش خصوصی واگذار گردید و چندی بعد این شرکت های تولیدی دست به بیکارسازی کارگران زدند که در نتیجه سه هزار و پانصد تن از کارگران هر سه شرکت بیکار شدند.

وزارت صنایع و معادن در پی آن است که پانصد نفر دیگر از کارگران این واحدها را نیز تحت عنوان بازنشستگی بیکار کند.

کارگران کارخانه نوپان شموشک ۲۰ ماه است دستمزدی دریافت نکرده اند.

۳۰۰ نفر از کارگران کارخانه نوپان شموشک روز یازدهم بهمن در اعتراض به بیست ماه دستمزد پرداخت نشده خود در مقابل اداره کار و امور اجتماعی استان گلستان تجمع کردند. این کارگران سه روز قبل از آن نیز در رابطه با همین موضوع در مقابل استانداری گلستان تجمع اعتراضی برپا کرده بودند.

جمهوری اسلامی با گروهان گرفتن دستمزد کارگران، حمله به معیشت ناچیز کارگران را بیشرمانه ادامه میدهد. گرانی و بیکاری بیداد می کنند، و سرمایه داران و کارفرماهای مفت خور در حمایت و پشتیبانی حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی هزاران خانواده کارگری را به خاک سیاه نشانده اند.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

این وضعیت قابل تحمل نیست. کارگران کار کرده اند و باید نه تنها دستمزدهای خود را بلافاصله دریافت کنند، بلکه افزایش دستمزدی که زندگی و معیشت و حرمت کارگران و خانواده های آنان را تامین کند، حق مسلم آنهاست. سازمان دادن اعتراض سراسری و اتحاد همه بخشهای کارگری علیه تحمیل فقر و فلاکت به کارگران و خانواده های آنان ضامن به عقب نشاندن یورش سرمایه داران به زندگی و معیشت کارگران است. حزب کمونیست کارگری با پشتیبانی قاطع از اعتراضات بحق کارگران از همه مراکز کارگری می خواهد که منظمًا مجامع عمومی خود را برگزار کنند و بطور دسته جمعی درباره ادامه مبارزات خود تصمیم گیری کنند. حزب کلیه فعالین و رهبران کارگری را فرامیخواند که اقدامی سراسری و متحد را علیه وضعیت فاجعه بار کنونی سازمان بدهند. تغییر وضعیت فلاکتبار خانواده های کارگری در گرو بهم پیوستن اعتراضات پراکنده و سازمان دادن مبارزه ای سراسری و متحد است. سرمایه داران و دولت آنها فقط با ابراز وجود متحد و قدرتمند کارگران و مردم زحمتکش وادار به عقب نشینی میشوند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۱۸ بهمن ۱۳۸۹، ۷ فوریه ۲۰۱۱

زنده باد انقلاب در ایران و مصر و تونس



دوره بیداری و بیپاسداشتن مردم فراسیده است. نظام های استبدادی، فاسد و ارتجاعی در شمال آفریقا و خاور میانه، در ایران و مصر و تونس و یمن و... زیر ضرب مردم ستمدیده قرار گرفته اند. دیکتاتورها به وحشت افتاده اند و کاخ ستم و استثمار و بساط دزدی و چپاول شان در خطر قرار گرفته است. مردمی که نسل اندر نسل تحقیر و بی حرمت شده اند و هست و نیست شان توسط طبقات حاکم و دولت های فاسد آنها به یغما رفته است، سر بلند میکنند تا آزادی، زندگی و کرامت انسانی خود را بازیابند.

دیکتاتورها باید بروند و نظام های دیکتاتورها که بیحقوقی مطلق، فقر، بیحرمتی، تبعیض، شکنجه و اعدام و زندان و کثیف ترین خشونت ها را به صدها میلیون انسان شریف و زحمتکش تحمیل کرده اند، باید در هم شکسته شوند. از سیستم قضائی تا قانون گذاری، از نیروهای سرکوب تا بوروکراسی فاسد، از قانون اساسی تا قوانین قضائی و کل قوانین شان باید برچیده شود و سران این حکومت ها به جرم دهها سال جنایت به محاکمه کشیده شوند تا دنیا ببیند اینها با مردم چه کرده اند و دول غربی و رسانه های نوکر چگونه از این جنایتکاران

تشدید فشار بر نمایندگان کارگران هفت تپه

کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه باید فوراً سرکار خود بازگردند، رضا رخشان باید از زندان آزاد شود

آنها در حال جمع آوری کمک مالی برای همکاران اخراجی خود بودند، آنان را مورد تهدید قرار داده و مانع انجام این کار شدند. علی نجاتی، فریدون نیگوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور، رضا رخشان و محمد حیدری مهر نمایندگان کارگران و اعضای هیات مدیری سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، بخاطر تلاششان برای ایجاد تشکیل سندیکا و دفاع از حقوق کل کارگران برای دریافت بموقع دستمزدهایشان، بارها دستگیر و زندانی شده و مدتهاست که از کار خود اخراج شده و زیر شدیدترین فشارها قرار دارند. در همین رابطه رضا رخشان شش ماه حکم زندان گرفته و هم اکنون در بازداشت بسر میرد.

بنابر خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی، دور جدیدی از فشار علیه کارگران اخراجی هفت تپه آقایان علی نجاتی، فریدون نیگوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور، رضا رخشان و محمد حیدری مهر که نمایندگان محبوب و اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هستند، آغاز شده است. دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی با همکاری اداره ی کار بر نمایندگان کارگران هفت تپه که مدت زیادی است از کار اخراج شده اند فشار می آورند تا با اعلام رضایت کتبی با کارفرما تسویه حساب کامل کرده و اقدام به عقد قرارداد جدید کاری به مدت یک سال نمایند. جمهوری اسلامی و

بنابر خبر منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی، دور جدیدی از فشار علیه کارگران اخراجی هفت تپه آقایان علی نجاتی، فریدون نیگوفرد، جلیل احمدی، قربان علیپور، رضا رخشان و محمد حیدری مهر که نمایندگان محبوب و اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هستند، آغاز شده است. دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی با همکاری اداره ی کار بر نمایندگان کارگران هفت تپه که مدت زیادی است از کار اخراج شده اند فشار می آورند تا با اعلام رضایت کتبی با کارفرما تسویه حساب کامل کرده و اقدام به عقد قرارداد جدید کاری به مدت یک سال نمایند. جمهوری اسلامی و

کارگران کیان تایر اعتراضات خود را از سر گرفتند

تماسی با نمایندگان کارگران اعلام کرد که روز ۱۷ بهمن فرماندار اسلامشهر به همراه هیئتی از سوی سازمان حمایت از صنایع برای رسیدگی به خواسته های کارگران به کارخانه خواهند آمد.

لازم به یادآوری است پس از اعتراضات کارگران کیان تایر که از روز ۱۸ تا ۲۶ دی ماه گذشته صورت گرفت، کارگران این کارخانه با وعده های کارفرما مبنی بر پرداخت بموقع دستمزدهای جاری آنها و همچنین قول وزارت صنایع برای سر و سامان دادن به ادامه تولید در این کارخانه، از تصمیم قبلی خود برای تجمع خود در مقابل وزارت صنایع در روز ۲۶ دی صرفنظر کردند. اما علیرغم وعده های داده

بنابر گزارشهای منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز ۱۶ بهمن ماه کارگران کیان تایر در اعتراض به عدم اجرای توافقات صورت گرفته با آنها برای پرداخت بموقع دستمزدهایشان و وضعیت بلا تکلیف کارخانه دست به تجمع زدند. تجمع کارگران از ساعت ۸ صبح شروع شد و در ساعت ۹ صبح حدود دویست نفر از کارگران با خارج شدن از کارخانه به مدت یکساعت در کنار جاده اسلامشهر و روبروی بخشرداری چهاردانگه با آتش زدن لاستیک تجمع کردند. کارگران سپس در محوطه کارخانه تا ساعت ۲ بعدازظهر به تجمع خود ادامه دادند. بدنبال این اعتراضات فرمانداری اسلامشهر طی

شده، دستمزدهای ماه کارگران در روز پنجم بهمن پرداخت نشد و فقط ۵۰ درصد آن در روز نهم بهمن پرداخت گردید. در نتیجه کارگران از روز نهم بهمن ماه بار دیگر اعتصاب خود را از سر گرفتند و در تداوم این اعتراضات کارگران تجمع اعتراضی روز ۱۶ بهمن را برگزار کردند.

کارفرمایان کیان تایر مدتهاست که توطئه به تعطیلی کشاندن کارخانه و اخراج کارگران را در سر دارند. اما تا کنون زیر فشار اعتراض کارگران کارگران در کارخانه شده اند. همچنین کارگران همواره با اعتراضات متحد و پیگیر خود توانسته اند دستمزدهای پرداخت نشده خود را نقد کنند و اکنون اعتراضات بموقع آنان بر سر پرداخت دستمزدهاست. تجربه کارگران کیان

طلبانه خود را در نزد صدها میلیون انسان شریف در سراسر جهان باز یافته است. زنده باد انقلاب های آزادیخواهانه مردم مصر و تونس و ایران زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ فوریه ۲۰۱۱، ۲۱ بهمن ۱۳۸۹

جنبش کارگری است که علیرغم اینکه کارگران این کارخانه بارها و بارها بخاطر انجام این کار و کمک به رهبران محبوب خود مورد حمله و تعرض حراست کارخانه قرار گرفته اند، اما همچنان به این همبستگی ادامه داده و با این کار در واقع از مبارزات متحد خود پاسداری کرده اند. این سنت را باید ادامه داد.

مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه شایسته بیشترین همبستگی هاست، با تمام قوا خواهان بازگشت به کار کارگران اخراجی این کارخانه و آزادی فوری رضا رخشان و همه کارگران زندانی از زندان شویم. آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۱ بهمن ۱۳۸۹، ۱۰ فوریه ۲۰۱۱



تایر، الگوی خوبی برای کارخانجات دیگری است که با معضل عدم پرداخت دستمزدها و خطر بیکارسازیها روبرو هستند. یک نقطه قوت مهم مبارزات کارگران کیان تایر اتکا به مجمع عمومی به عنوان مکانی برای تصمیم گیری جمعی با مشارکت همه کارگران و تحکیم اتحاد در میان آنها است. این نقطه قوت را باید هرچه بیشتر تحکیم کرد و مجمع عمومی را سازمان یافته تر ادامه داد.

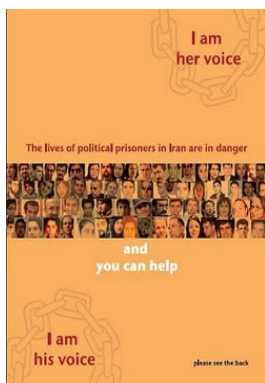
تشکیل مجمع عمومی کارگری، انتخاب نمایندگان واقعی در این مجامع و پیشبرد متحد مبارزات با اتکا به این مجامع و تصمیمگیری جمعی یک حلقه کلیدی در سازمانیابی و حرکت قدرتمند مبارزات کارگری است. با اتکا به چنین صف متحدی

مبارزات متحد خود توانسته اند تشکیل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه را تشکیل دهند. توانسته اند در مقابل دستمزدهای پرداخت نشده بایستند و مدیریت را وادار به پرداخت فوری دستمزدهایشان کنند. توانسته اند جلو متوقف شدن تولید کارخانه را بگیرند و کاری نکنند که نه تنها بیکارسازیها متوقف شود، بلکه حتی قرارداد هشتصد نفر از کارگران این کارخانه به قرارداد رسمی تبدیل شود. با همین قدرت میتوان، کارگران اخراجی را به کارخانه بازگرداند و رضا رخشان را از زندان آزاد ساخت.

یک نقطه قوت کارگران نیشکر هفت تپه صف متحد این کارگران است. از جمله ایجاد صندوق همبستگی مالی با کارگران زندانی و کارگران اخراجی یک دستاورد بزرگ

تایر، الگوی خوبی برای کارخانجات دیگری است که با معضل عدم پرداخت دستمزدها و خطر بیکارسازیها روبرو هستند. یک نقطه قوت مهم مبارزات کارگران کیان تایر اتکا به مجمع عمومی به عنوان مکانی برای تصمیم گیری جمعی با مشارکت همه کارگران و تحکیم اتحاد در میان آنها است. این نقطه قوت را باید هرچه بیشتر تحکیم کرد و مجمع عمومی را سازمان یافته تر ادامه داد.

تشکیل مجمع عمومی کارگری، انتخاب نمایندگان واقعی در این مجامع و پیشبرد متحد مبارزات با اتکا به این مجامع و تصمیمگیری جمعی یک حلقه کلیدی در سازمانیابی و حرکت قدرتمند مبارزات کارگری است. با اتکا به چنین صف متحدی



کارت پستال کارزار "من صدای او هستم"

- ۳- موسی ابراهیم زاده
- ۴- عیسی ابراهیم زاده
- ۵- پریرزاد خسروی
- ۶- چیمین ملایی
- ۷- زبیده حاجی زاده

* منبع اطلاعاتیه خانواده بهنام :

کمپین برای آزادی کارگران زندان دستگیری، شکنجه و ۲۰ سال زندان تنها به این جرم که بهنام صدای رسای کودکان کار و خیابان، این بی صداترین انسانها بود. به این حکم جنایت کارانه باید اعتراض کرد، صدای کودکان کار و خیابان باید شنیده شود.

صدای بهنام ابراهیم زاده باش!
نگذار صدایش را خاموش کنند!
۴ فوریه ۲۰۱۱، ۱۵ بهمن ۱۳۸۹

در رجایی شهر، و ۱۰ سال در اوین محکوم شده است
خانواده بهنام ابراهیم زاده، در ادامه کمپینی که برای آزادی بهنام اعلام کرده بودند، هم اکنون کمیته ای در دفاع از او تشکیل داده اند، متن بیانیه اعلام موجودیت این کمیته به قرار زیر است:

"کارگران، مردم آزادیخواه"

در تاریخ ۲۲/۳/۸۹ اسعد ابراهیم زاده (بهنام) کارگر پارسیان لوله واقع در جاده قدیم تهران - قم به جرم دفاع از حقوق کارگران و کودکان از طرف دولت دستگیر و در زندان اوین در بند ۳۵۰ به سر می برد. بعد از چند بار محاکمه سرانجام این فعال کارگری به بیست سال زندان محکوم شده است.

ما خانواده اسعد ابراهیم زاده (بهنام) از این تاریخ ۲۶/۱۰/۸۹ اقدام به تشکیل کمیته ای به نام دفاع از حقوق بهنام ابراهیم زاده می کنیم. لذا از کلیه کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران، نویسندگان و کلیه تشکل های اجتماعی و انسان های آزادی خواه می خواهیم به این کمیته بپیوندند.

۱- رحمان ابراهیم زاده

۲- عایشه مدرسی

مه، روز جهانی کارگر دستگیر کرده بودند، در ۲۲ خرداد ۸۹ دستگیر کردند و در بند ۲۰۹ زندان اوین به بندش کشیدند. بهنام را که جز پاسخ به ندای انسانیت جرمی نداشت و حشیانه شکنجه کردند، زیر مشمت و لگد استخوانهایش را خورد کردند، اما هیچ اتهامی به جز دفاع از حقوق کودکان و کارگران به او وارد نکرده اند. بهنام که جرمی مرتکب نشده بود و از روز اول به دستگیری خود اعتراض داشت پس از دو هفته اعتصاب غذا در اعتراض به دستگیری، زندانی شدنش، در اعتراض به وضعیت بدتکلیف قضایی خود، در تاریخ ۱۷ مهر ماه به بند عمومی، بند ۳۰۵ زندان اوین منتقل شد. تا آن روز بهنام را ۲ بار به بهداری زندان فرستاده بودند. برای آزادی بهنام که جرمی مرتکب نشده بود وثیقه های نجومی تعیین کردند، اما او را آزاد نکردند. فعالیت برای حقوق کارگران و کودکان کار در جمهوری اسلامی برای موجودیت رژیم خطرناک است.

در تاریخ ۱۲ دی ماه ۸۹، بهنام در یک تماس تلفنی به خانواده اش خبر داد که پس از چند بار محاکمه شدن، از سوی شعبه ۱۵ دادگاه اسلامی به ۲۰ سال زندان، ۱۰ سال



Free Behnam

صدای بهنام ابراهیم زاده باش! نگذار صدایش را خاموش کنند!

بهنام ابراهیم زاده یکی از چهره های سرشناس جنبش کارگری ایران است. بهنام کارگر لوله سازی پارسیان در جاده قم است. بهنام فعال حقوق کارگری است. در ایران نمیتوان فعال حقوق کارگری بود، و خود به خود به عرصه فعالیت برای حقوق کودکان کار و خیابان وارد نشد. کودکان کار و خیابان، کودکان دنیای جهانی در بهشت سرمایه داری جمهوری اسلامی، ۱۰۰ها هزار کودک، دختر و پسر ژنده پوش، بیمارزرد و رنجور، بی حقوق ترین، خاموش ترین، زخم پذیر ترین، بخش طبقة کارگر ایران هستند. بیکاری های گسترده، گرانی و فقر کمر شکن، بی افقی، اعتیاد در ابعاد اجتماعی، که کرامت انسانی جامعه را هدف گرفته، و اخلاقیات انسانها را به قهقریایی به عمق منجلاب رژیم اسلامی میکشاند. ارتشی از این "کارگران" با دستهای کوچک، چشمان بی فروغ و دل های بی آرزو ایجاد کرده است. نمیتوان فعال حقوق کارگری بود و برای این بی حقوق ترین بی حقوقان مبارزه نکرد. بهنام هم فعال کارگری بود و طبیعتاً دلش برای این

زهرای بهرامی به دلیل فعالیت سیاسی علیه رژیم اسلامی اعدام شد نه قاچاق مواد مخدر!



کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر

00447779898968

bahram_soroush@gmail.com بهرام سروش

0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاک ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

صحتیهای او فوراً میبرد را شنیده باشید - زهرا به دلیل عقاید و فعالیت های سیاسی در ایران دستگیر شکنجه و اعدام شد. تلاش برای تحت الشعاع قرار دادن فعالیت های زهرا و زندانی سیاسی بودنش تنها در خدمت رژیم و توهین به مبارزات مردم برای آزادی زندانیان سیاسی است.

و سایت رسانه ها که سعی در تحت الشعاع قرار دادن شکنجه و اعدام زهرا بهرامی دارند باید شبکه تلویزیونی nieuwsuur از خانواده زهرا بهرامی و تمامی کسانی که برای نجات جان زهرا و هزاران زندانی سیاسی تلاش کرده و میکنند معذرت خواهی کنند.

شیوا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی سوم فوریه

ترس اعتراضات مردم زندانیان سیاسی را تحت لوای قاچاق مواد مخدر اعدام میکنند - حتی خود سران رژیم هم میدانند که اتهام قاچاق مواد مخدر به ایران توسط زهرا کاملاً بی اساس بوده و تنها دسیسه ای برای کشتنش بود. جرمی که زهرا در هلند مرتکب شده است هیچ ربطی به حکمی که رژیم اسلامی برایش صادر کرد ندارد.

زهرا در ایران بر علیه رژیم جنایتکار اسلامی مبارزه کرد، در اعتراضات روزهای عاشورا شرکت کرد و کما اینکه میدانست ممکن است زندان و شکنجه شود چندین بار بر علیه جنایات رژیم با رادیوهای نیروهای اپوزیسیون رژیم در خارج مصاحبه کرده و افشاگری کرد.

ممکن است بسیاری از شما آخرین مصاحبه زهرا را که خشم و انزجار از این جانینان اسلامی در

روز دوشنبه ۳۱ ژانویه، دو روز بعد از اعدام زهرا بهرامی، شبکه تلویزیونی nieuwsuur هلند اعلام کرد که زهرا بهرامی در سال ۲۰۰۳ به جرم وارد کردن موارد مخدر به هلند توسط دولت هلند محکومیت گرفته است. این خبر اساساً خبر شکنجه و زندان و اعدام زهرا را عملاً تحت الشعاع قرار دارد - گویی شکنجه وحشیانه و اعدام زهرا مهم نیست - گویی مهم نیست که رژیم جنایتکار هنوز جرات نکرده است که جنازه اش را تحویل خانواده اش بدهد.

پس از اعلام این خبر از رسانه های هلندی و تکرار مکرورش از رسانه های دیگر، سران رژیم اسلامی از این سو استفاده کرده و گستاخانه اعلام کردند که این دلیل بر بر حق بودن اعدام زهرا توسط رژیم است - گویی این اولین باری است که رژیم از

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

گزارش تصویری از تظاهرات در حمایت از انقلاب مردم در مصر و تونس، گوتنبرگ ۵ فوریه



همبستگی با مردم مصر در دالاس آمریکا و تورنتو کانادا



دالاس

مردم را به خانه هایشان بفرستند. به خصوص در مورد خطر اسلام سیاسی صحبت کرد.

در کوئین پارک در تورنتو کانادا نیز سازمانها و نهادهای زیادی به این مناسبت فراخوان تظاهرات داده اند که حزب کمونیست کارگری ایران تشکیلات شرق کانادا، و حزب کمونیست کارگری چپ عراق نیز از جمله فراخوان دهندگان بودند و با پوسترهائی با عکس خامنه ای و مبارک و شعار همه دیکتاتورها باید بروند، انقلاب انقلاب تا پیروزی فعالانه در این حرکت شرکت داشتند.

روز شنبه ۹ بهمن در سراسر دنیا هزاران نفر برای دفاع از انقلاب در تونس، مصر و همه کشورهای دیکتاتور زده به خیابان آمدند. در این روز به همین مناسبت در مرکز شهر دالاس نیز تظاهراتی برگزار شد که واحد حزب و کمیته بر علیه اعدام همراه با دیگر ایرانیان آزادخواه شهر در آن علاقه شرکت کردند و رفیق شری میرزایی به انگلیسی سخنرانی کرد. و در آن تجربه انقلاب ۵۷ صحبت کرد و این نکته را گوشزد کرد که مردم مصر هوشیار باشند و به کم رضایت ندهند و اجازه ندهند که یک دیکتاتور را با دیکتاتور دیگر جایگزین کنند و

کنفرانس بین المللی در مورد حقوق زن، قانون شریعه و سکولاریسم

این برنامه توسط کمیته بین المللی علیه سنگسار، سازمان همبستگی با مردم ایران، علیه تبعیض سازمان دفاع از حقوق زن در ایران و قانون برابر برای همه اسپانسر شده است.

برای اطلاعات بیشتر با مریم نمازی تماس بگیرید:

Maryam Namazie
Spokesperson
One Law for All and
Iran Solidarity
BM Box 2387
London WC1N 3XX
onelawforall@gmail.com
Iransolidaritynow@gmail.com
www.onelawforall.org.uk
www.iransolidarity.org.uk

رحمان (اکتیویست حقوق زن)، نینا سنکاری (پیشروان فمینیست اروپا در لهستان)، سهیلا شریفی (علیه تبعیض، سازمان دفاع از حقوق زنان در ایران)، بهرام سروش (فعال حقوق مدنی)، دانیال سالواتوره شیفر (فیلسوف)، آن ماری واترس (قانون برابر برای همه)، لیبندا ولی کوریل (وکیل)، ستازا زاجویک (زنان سیاهپوش بلگراد)

ورودی: افراد ۱۰ پوند، افراد بیکار و دانشجو ۳ پوند. برای دریافت فرم ثبت نام و بیوگرافی سخنرانان به سایت زیر مراجعه کنید:
<http://www.onelawforall.org.uk/12-march-2010-international-conference-on-women%e2%80%99s-rights-sharia-law-and-secularism-london/>

۱۲ مارس ۲۰۱۱
ساعت ۱۰ صبح تا ۱۹ عصر در دانشگاه لندن

University of London
Union, The Venue,
Malet Street, London
WC1E (Russell Square)

این کنفرانس یک روزه که به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برگزار می شود، تاثیرات منفی قوانین مذهبی بر زندگی زنان را مورد بررسی قرار می دهد.

سخنرانان عبارتند از: کریمه بینون (پرفسور حقوق)، هاله مریت بریکس (ژورنالیست)، نادیا گیرتس، (نویسنده)، حامده حسین (آسیای جنوبی برای حقوق بشر)، مونیکا لانفرانکو (ژورنالیست)، آن ماری لیزین (سخنگوی افتخاری سنای بلژیک)، مریم نمازی (قانون برابر برای همه و ایران سولیداریتی)، تسلیمه نسرین (نویسنده)، یاسمین

کنفرانس مطبوعاتی علیه اعدامها در ایران به دعوت فراکسیون چپا در پارلمان اروپا در محل مجمع نمایندگان پارلمان در استراسبورگ فرانسه

که صدای اعتراض آنها را به گوش نهادهای بین المللی و از جمله اتحادیه اروپا رسانده و خواهان عکس العمل فوری و شدیدترین نهادها در مقابل حکومت اسلامی و بر علیه اعدامها در ایران بشویم.

ساعت و محل کنفرانس مطبوعاتی سه شنبه ساعت سه بعد از ظهر در محل پارلمان اروپا در استراسبورگ ساعت جلسه گفت و شنود و سخنرانی سه شنبه ۱۵ فوریه ساعت شش و نیم عصر در محل اتحادیه اروپا در استراسبورگ

Avenue du Président
Robert Schuman
67000 Strasbourg,
Frankreich

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۰ فوریه ۲۰۱۱

حضور خواهند داشت. نمایندگان کمیته بین المللی علیه اعدام مینا احدی، مریم نمازی و پاسکال یاسمینا خواهند بود.

روز سه شنبه ۱۵ فوریه از ساعت ۱۵ کنفرانس مطبوعاتی است و بعد از ظهر ساعت ۱۸.۳۰ دعوت فراکسیون چپ پارلمان اروپا یک جلسه گفت و شنود و سخنرانی با حضور نمایندگان کمیته بین المللی علیه اعدام و نمایندگان پارلمان اروپا در استراسبورگ در محل پارلمان برگزار میشود.

این اقدامات در ادامه فعالیتهای کمیته بین المللی علیه اعدام، در مقابل با اعدامهای گسترده در ایران و جنایات وحشیانه حکومت اسلامی ایران است

مردم معترض و به جان آمده در ایران و همچنین زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام از ما خواسته اند

هیئت از کمیته بین المللی علیه اعدام در این کنفرانس مطبوعاتی شرکت میکند.

روز سه شنبه ۱۵ ماه فوریه در هفته ای که نمایندگان پارلمان استراسبورگ هستند، یک کنفرانس مطبوعاتی به دعوت فراکسیون چپ و سبز اتحادیه اروپا در این شهر برگزار میشود.

این کنفرانس مطبوعاتی به اعدامهای گسترده در ایران و سیاست دوول اروپایی در قبال جمهوری اسلامی ایران خواهد پرداخت و یکی از نشست های مهم در اعتراض به اعدامهای گسترده در ایران است.

در این کنفرانس مطبوعاتی کورنلیا ارنست از حزب چپ آلمان و از نمایندگان پارلمان اروپا و جانشین مسئول کمیسیون ایران اتحادیه اروپا و ماریا کریستینه وریگات از فرانسه و عضو فراکسیون چپ پارلمان اروپا

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم!



آگاهند، آنها از انقلاب خود محافظت خواهند کرد.

مجموعه این خبر ابعاد عمیق و طبقاتی تحولات عظیمی که امروز ما در کشور مصر شاهدش هستیم را مقابل ما میگذارد. مردمی که با چنین خواستهایی به میدان آمده اند و شعار نان، آزادی، کرامت انسانی را بلند کرده اند را نمیتوان بسادگی به خانه بازگرداند. آنچه جوانان میگویند این انقلابی بدون رهبری است و خود جوش است طبعاً نقطه قوت انقلاب نیست بلکه يك نقطه ضعف آنست که باید دید چگونه پر میشود و این جوانان رادیکال و چپ و آزادیخواه چگونه در سیاست نمایندگی میشوند. هنوز زود است در مورد این جنبه فضاوت دقیقی کرد. قطعاً اگر جریانی چپ و رادیکال با برنامه و خواستهایی شفاف جلوی صحنه قرار گیرد، بتواند خواستههای فوری مردم را فرموله و بیان کند، اگر تشکلهای سراسری و قدرتمند کارگران و مردم در مصر شکل گیرند و جلوی صحنه قرار گیرند، روند انقلاب همانی خواهد شد که همه کارگران و جوانان انقلابی و مردم محروم میخواهند. با اتفاقات این هفته طلبانه های چپ و رادیکالیسم را میتوان دید. انقلاب مردم مصر بیانگر این حقیقت است که دوره جدیدی از انقلاب ها علیه شده، زنده باد انقلاب مردم مصر.*

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

بود و خامنه ای هم گفته است که انقلاب در مصر به مانند انقلاب سال ۵۷ ایران است و قانون اساسی این کشور بعد از مبارک بر اساس قرآن خواهد بود، میگوید اگر دنبال شباهت ها هستید جنبش ما بیشتر شبیه اتفاقی است که یکسال پیش یعنی سال ۸۸ در ایران رخ داد. و ادامه میدهد و میگوید جنبش ما بسیار خود بخودی و مردمی است. در مصر رهبری ایدئولوژیک وجود ندارد و تاکید میکنند که اتفاقی که در ایران ۵۷ افتاد نه در مصر بلکه در هیچ کجای خاور میانه قابل تکرار نیست. او همچنین تاکید میکند و میگوید که ما جامعه ای داریم که سکولاریسم آن قابل مقایسه با جامعه آمریکا است و این سکولاریسم آنچنان قدرتی دارد که نیروهای اسلامی هم که در این جنبش مردمی حضور دارند، نمی توانند مدعی اسلامی بودن جنبش ما باشند. او در ادامه سوالات بی بی سی و شباهت آنچیزی که در بلوک شرق اتفاق و یا در ایران یکسال پیش اتفاق افتاد، جواب میدهد که همیشه عناصری از شباهت ها بین اعتراضات مردم کشورهای مختلف میتوان دید، اما آنچیزی که من میتوانم بگویم این است که مسله آزادی و فقر اقتصادی برای ما محور است. ما خواسته های ایدئولوژیک نداریم. و بعد با اشاره به جنبه شاد و مدرن انقلاب مصر اشاره کرده و میگوید ما سعی کرده ایم که با ورود موزیک، آواز، شعر و استفاده از هنرمندان يك جنبه بسیار شاد به انقلابمان بدهیم. و بر اینکه این انقلاب اساساً توسط جوانان و بدون رهبری معینی شکل گرفته است تاکید میگذارد.

این گفته ها حقیقت اتفاقی که هم اکنون در مصر میگذرد را بیان میکنند. نمونه دیگری از همین دست گفته ها، سخنان نوال السعداوی، از فعالین دفاع از حقوق زن است. او یکی از شرکت کنندگان فعال تظاهرات های خیابانی در مصر است که در گفتگویی با رسانه ها میگوید: من بسیار خوشحال هستم، من ۸۰ سال سن دارم و از اینکه زنده ماندم تا این روزها را بینم خوشحالم. من رویای این انقلاب را دیده ام! من هر روز در تظاهرات خیابانی قاهره شرکت می کنم. او در آخرین گفتگوی رادیویی اش با رادیوی سوئد میگوید که مردم مصر سال هاست مبارزه می کنند و این انقلاب

اعتصاب کردند و به انقلاب مردم پیوستند،

هزاران زاغه نشین در بندر سوئز بندر پورت سعید در اعتراض به نداشتن سرپناهی برای خود دست به تظاهرات زدند و مقر دولت در کانال سوئز را به آتش کشیدند.

اینها گوشه ای از اعتصاباتی است که در همین یکی دو روزه به جریان افتاده است. بدین ترتیب هزاران کارگر در اعتراض به فقر و محرومیت، در اعتراض به خفقان و دیکتاتوری، به عنوان يك طبقه وارد صحنه انقلاب شده اند و بطور واقعی در این هفته تظاهراتهای خیابانی در مصر رنگ و فضای دیگری بخود گرفته است.

این اعتراضات دولت مصر، آمریکا و جهان غرب و کلا بورژوازی جهانی را وحشت زده کرده است. تلوویزیون الجزیره که در این مدت مرتباً اخبار اعتراضات مردم مصر را انعکاس میداد از این موضوع به عنوان خبری نگران کننده یاد کرد. در گزارش خبری از اعتصاب ۶۰۰۰ کارگر سد سوئز تمام تلاش گزارشگران این است که اعلام شود که این اعتصابات چیزی را مختل نخواهد کرد. اما نگاهی به این خبرها نشانگر ورود يك نیروی عظیم و تعیین کننده در انقلاب است. نشانگر به حرکت در آمدن نیرویی است که شاهرگهای اقتصادی و حیاتی مصر را در دست دارد و آمده است که کار را تمام کند. این خبرها نشانگر پایان درجا زدن انقلاب مردم مصر در میدان التحریر در قاهره و يك نقطه عطف مهم است. این خبرها در عین حال حاکی از ریشه های واقعی و عمق طبقاتی انقلاب مردم مصر است. واقعیتی که قدم به قدم آمریکا و غرب را به عقب میکشاند. واقعیتی که جریانات راست و مذاکرات پنهانی و از بالای سر مردم و جریاناتی ارتجاعی چون اخوان المسلمین و البرادعی و امثالهم را به مصافی جدی می طلبد. در همین هفته فضای اعتراضات عمومی مردم نیز تغییر کرده و جایگاه چپ و رادیکالیسم را میتوان روشنتر دید. بطور مثال در برنامه ای در بی بی سی که پیکیرانه همصدا با تبلیغات جمهوری اسلامی است، یکی از جوانان فعال سیاسی مصر در مقابل جوان مصری دیگری که از رژیم اسلامی طرفداری میکرد، و ادعا داشت که خمینی این انقلاب را پیش بینی کرده

اعتصابات کارگری نقطه ...

از صفحه ۱



شهلا دانشفر

اعتراضی مردم در دو هفته اخیر بیانگر پیشرفت تحولات سیاسی در مصر است. در این روز بیش از ۶۰۰۰ کارگر که در ۵ کمپانی وابسته به موسسه ای دولتی در شهرهای سوئز، پورت سعید و اسماعلیه به کار اشتغال دارند، تحصنی نامحدود را در مقابل دفتر مرکزی این شرکتها شروع کردند و این تحصن ادامه دارد. این کارگران یکی از شاهرگ های مهم اقتصادی مصر را در دست دارند و اکنون با اعتراض به سطح نازل دستمزدها و شرایط بد کاری خود و با خواست افزایش دستمزدهایشان هم سطح با سطح دستمزدهای مقامات ارشد کارگران این مرکز کارگری دست از کار کشیده اند. در کنار این اعتراضات خبرها حاکی از اعتصاب و تظاهرات در دهها مرکز کارگری در مصر است. از جمله:

- دو هزار کارگر بافنده در سوئز دست به تظاهرات زدند،
- کارکنان وزارت بهداشت و درمان در کنار پارلمان دولت مصر تجمع کرده و به خیابانها ریختند،
- هزاران کارگر خدمات عمومی اعتصابشان را شروع کردند،
- کارگران نساجی "محلّه" در حرکتی اعتراضی جاده ها را بستند،
- کارگران داروسازی وارد اعتصاب شدند،
- کارگران شرکت شیمیایی "کوک" در استان حلوان در جنوب مصر دست به اعتصاب زدند،
- ۱۵۰۰ کارگر شرکت "پترول ترید" دست به تظاهرات زدند،
- ۵۰۰۰ کارگر جوان بیکار، ساختمانی دولتی را اشغال کرده و خواهان استعفای فرماندار شدند،
- کارگران راه آهن تهدید به اعتصاب کردند،
- کارگران کشتی رانی کانال سوئز دست به اعتصاب زدند،
- کارکنان روزنامه دولتی الاهرام در اعتراض به سیاست حاکم بر روزنامه و سانسور و تحریف خبرها اعلام

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!